

حضرت بهاءالله می فرمایند :

" اگر درد دوست دارید درمان پدیدار اگر دارای دیده بیننده اید گل روی یار در بازار نمودار . "

پیام بهایی ش ۴۰۲

برنامه احتفال عید اعظم رضوان

- ۱- مناجات شروع
- ۲- لوح مبارک عید رضوان
- ۳- نص مبارک حضرت بهاءالله
- ۴- قسمتی از لوح حضرت عبدالبهاء
- ۵- واقعه تاریخی رضوان
- *تنفس
- ۶- ذکر دسته جمعی " یا نور النور یا نوراً فوق کل نور یا مظهر کل ظهور یا رحمن یا رحیم . " ۵ مرتبه
- ۷- لوح مبارک حضرت بهاءالله
- ۸- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء
- ۹- عید رضوان و نفی " دیگر " سازی
- ۱۰- بحر طویل جناب ناطق نوری
- ۱۱- برنامه محلی و ابتکارات جمعی
- ۱۲- مناجات خاتمه (به انتخاب تلاوت کننده)

پروردگارا مهربانا پادشاهها دادرسا

حمد و ثنا و شکر و بها تو را سزااست که گنج شناسایی را در دل ودیعه گذاردی و لطیفه وجود را از آب و گل برانگیختی . تویی توانایی که قوت و شوکت عباد تو را ضعیف ننمود و لشکر غفلت و عسکر غرور و ثروت تو را از اراده باز نداشت . در حینی که سهام ضغینه و بغضا از جمیع جهات طیار ، به استقامت تمام قائم و بما ینبغی قائل . ظلم فراعنه تو را از گفتار منع نکرد و قهر جبار به از اراده غالبه منع نساخت . ای پروردگار ، دُستوران را راه نما و به جنود دانایی و علم لدنی مدد بخش شاید عباد تو را به راه راست و خبر بزرگ بشارت دهند و فائز نمایند . ای کریم ، نورت ساطع و امرت غالب و حُکمت نافذ ، اولیائت را از دریای بخششت محروم مساز و از برای هر یک ، از قلم عنایت ، آن چه الیوم سزاوار فضل تو است مرقوم نما و مقدر فرما . تویی توانا و تویی دانا و بینا . ای پروردگار ، دُستوران را آگاه نما تا به آگاهی خود غافلین را آگاه نمایند و گمراهان را به راه آرند تا کل در ظل قباب عظمت و سدره رحمت جمع شوند و بشنوند آن چه را که قوه سامعه از برای آن به ظهور آمده و مشاهده نمایند آن چه را که قوه باصره از برای آن موجود گشته . امر امر تو و جان ها قربان تو .

ادیه حضرت محبوب ص ۳۳۶

مژده ای فرقه عشاق که هنگام وصال است ، نه ایام ملال است . ز اندوه بر آید و سوی عیش گرایید که آن دلبر دلجوی دلارا که نهان بود ز انتظار و خفی بود ز افکار و بسی در طلبش جامه دریدند و سحر آه کشیدند و از او نام و نشان هیچ ندیدند و به صد مهر و وفا از کرم و لطف و صفا پرده برانداخته از عارض و در دایره جمع شده شمع و به صد جلوه ، عیان است و به عاشق ، نگران است و هزاران ز محبان وفادار ، سویش رخت کشیدند و دل از خویش بُریدند و به مقصود رسیدند و کنون مرحله ماست که از جان بشتابیم و ره دوست بیاییم و گل وصل بچینیم و رخ یار ببینیم و در آن بزم نشینیم و به میخانه وحدت ز کَفَش جام بنوشیم و در آن روضه وصل ابدی راه بپویم و به هم راز بگوییم و از آن نغمه جانبخش و ز الحان روانبخش ، دلی تازه نماییم و ز دل زنگ دوییت بزداییم و در صلح و محبت بگشاییم که خود داده صلا شاه و گدا را .

دیوان ناطق ص ۳۵۳

حضرت بهاءالله می فرمایند : قوله تعالى

بهار ظاهری که تربیت ظاهر اشیاء به امر خالق اسماء به او موکول و مقوض است در سال یک مرتبه ظاهر شود و هم چنین بهار معنوی که تربیت ارواح و افئده منیره می نماید و حیات باقیه دائمه مبذول می فرماید در هر هزار سنه او آزید یک بار جلوه می نماید و بر همه اشیاء از غیب و شهود خلعت هستی و تجلی ربوبی ابلاغ می فرماید دیگر تا کی مستحق آید و چه کس لایق باشد که ادراک نماید پس تا نسیم های خوش روحانی از باغ های قدس معانی می وزد و بلبل بیان بر شاخ های گل رضوان می سراید سعی و جهدی باید تا گوش از آوازه های ملیح ربانی بی نصیب نشود و جسم از بادهای بهار معنوی محروم نماند و این نسیم بر هر جسد که وزید حیات باقیه بخشید و بر هر شجر یابسه که مرور نمود خلعت تازه دائمه عنایت فرمود . به حفظ جان مپردازید و از جانان مگذرید . "

لثالی حکمه ج ۲ صص ۷-۸

۷- لوح مبارک حضرت بهاءالله

حضرت بهاءالله بوستان نجیبیه را به باغ رضوان تسمیه فرمودند که در این باب و درباره اهمیت آن ایام در لوح مبارک خطاب به جناب ملا علی بجستانی می فرمایند :

"... اگر اهل ارض طراً اراده کنند ذکر ایامی که در بستان نجیب پاشا که به رضوان نامیده شده ، نمایند هر آینه کل قاصر و به عجز مقرر. فی الحقیقه چشم عالم شبه آن را ندیده و بصر امم به مشاهده نظیر آن یوم فائز نگشته . توجه مقصود عالمیان و ورود در آن بستان و استقرار بر عرش بیان و ما خَرَجَ مِنْ قَمِّ الْمَشِيهِ فِي ذَاكَ الْإِنِّ خَارِجٍ از اذکار عالمیان بوده كُلُّ أَوْصَافٍ مِنْ كُلِّ وَاصِفٍ وَ كُلُّ الثَّنَا يَا مِنْ كُلِّ مُثْنِي لَنْ يَصِلَ إِلَى التُّرَابِ الَّذِي تَشْرَفُ بِقُدُومِهِ فَكَيْفَ عَرْشُهُ الْعَظِيمُ وَ اسْتَوَاهُ الْمَبِينُ بَيَانُهُ النَّافَهُ الْمَحِيطُ. باری اشراقات و تجلیات آن یوم خارج از عرفان و ادراک عالم است و مخصوص آن. بستان به اسم دربان مذکور شده که رضوان باشد و کانت ایام تجلی الرحمن بکل اسمائه علی مَنْ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ . جمعی از اولیا به مشاهده و لقا آن ایام و ما ظَهَرَ فِيهَا فائز گشتند در ورود و خروج جمال قدم آیات و بینات الهی ظاهر و باهر و هویدا و نور تجلی ساطع و لائح ... " انتهی

نقل از سواد لوح مبارک در عائله قدیمی کتاب حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی ص ۷۳

۸- نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

حضرت عبدالبهاء می فرمایند :

" از عدد ایام رضوان سوال نموده بودید . دوازده روز است و یوم اولش همان یوم دو ساعت به غروب مانده است . دیگر در جمیع اوقات باید دوستان الهی با یکدیگر به کمال حکمت معاشرت و ملاقات نمایند و به ذکر حق مشغول گردند و از یکدیگر راحه طیبه محبه الله استشمام کنند . " ۱

و نیز می فرمایند قوله الاحلی

" ای دوستان الهی موسم بهار روحانی است و فصل ربیع رحمانی عصر اول جمال قدم است و قرن عظیم اسم اعظم لهذا باید دوستان در هر دمی شعله جدید زنند و پرتوی تازه ظاهر نمایند نغمه ئی الهی آغاز کنند و آهنگی حجازی و عراقی بلند فرمایند تا حَجَر و شَجَر و مَدَر، به وجد و طرب آیند تا چه رسد به بشر. قسم به عنایت اسم اعظم که اگر نفوس چنان که باید و شاید مبعوث گردند در مدتی قلیله روی زمین بهشت برین گردد و این توده غبرا جنت ابهی شود . " ۲

مآخذ : ۱- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۴۵

۲- مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۵ ص ۵۶

پس از تبعید حضرت بهاءالله و خانواده و جمعی از اصحاب ایشان، از ایران به بغداد در ممالک عثمانی، که به دستور ناصرالدین شاه صورت گرفت، حضرت بهاءالله قریب به ده سال در این شهر ساکن بودند (به جز دو سال که در کوه های سلیمانیه سپری فرمودند).

در مدت اقامت ایشان در بغداد به خصوص پس از رجعت از کوه های سلیمانیه، حضرت بهاءالله از نفوذ کلام و عزت و اعتبار بالایی در بین مردم بغداد برخوردار بودند. این مقام و موقعیت، بر معاندین و علمای آن دیار و همچنین علمای ایران خوش نمی آمد به طوری که باز هم به تحریک جمعی از علمای حسود و نیز دربار قاجار، دولت عثمانی دوباره، ایشان را از شهر بغداد به شهر اسلامبول که فاصله بسیار بیشتری تا مرزهای ایران داشت، تبعید نمودند.

علاوه بر این جمعی از اصحاب را که گرد ایشان گرد آمده بودند و تحت حمایت و هدایت ایشان بودند، را متفرق نموده و به این وسیله قصد داشتند که با جدایی افکندن در بین مومنین و نیز تبعید حضرت بهاءالله به دیار بعید، از نفوذ و رسوخ دیانت جدید در بین مردم به خصوص در نواحی مرزی ایران بکاهند.

پس از ابلاغ حکم تبعید و ترک بغداد، حضرت بهاءالله با جمعی از پیروان و اعضای خانواده خود مدت ۱۲ روز را در باغی در حوالی بغداد، به نام باغ نجیبیه (باغ نجیب پاشا) گذراندند. این دوازده روز در بین بهائیان، مهم ترین ایام در تاریخ بهائی محسوب می شود، زیرا حضرت بهاءالله در این ایام و البته دقیقاً در روز اول اردیبهشت، به طور علنی و آشکار، رسالت خود را اعلان فرمودند و به اصحاب و مومنین بابی، ظهور دیانت جدید و رسالت خود را ابلاغ کردند.

از این تاریخ به بعد، دور دیانت بابی، منقضی شد و دیانت جدید بهائی، متولد گشت و حضرت بهاءالله اظهار فرمودند که ایشان همان موعود کتاب بیان هستند که حضرت باب در آثار خود بارها از ایشان به نام "مَنْ يُظْهِرُهُ اللهُ" نام برده اند.

اظهار امر یا به اصطلاح آغاز بعثت علنی حضرت بهاءالله که قریب به ده سال پس از اظهار امر خفی ایشان در سیاه چال طهران، روح جدیدی در کالبد مومنین امر بدیع دمید و جانی تازه به پیروان ایشان بخشید به طوری که توانستند بر رنج تبعید فائق آیند و از آن پس به نشر و تبلیغ دیانت بهائی بپردازند.

بهائیان هر ساله این دوازده روز (اول تا دوازده اردیبهشت برابر با ۲۱ آوریل تا ۲ می میلادی) را به عنوان عید رضوان جشن می گیرند. سه روز از این دوازده روز، جزء ایام محرمه محسوب است یعنی اشتغال به کار و کسب و سایر امور اداری در این سه روز حرام می باشد. بهائیان کل ایام بالاخص این سه روز را گرامی می دارند و به

ترتیب دادن ضیافات و برنامه های مخصوص در اعزاز و تکریم این ایام می پردازند. این سه روز عبارتند از روز اول اردی بهشت، مطابق اظهار امر علنی حضرت بهاءالله، روز نهم اردی بهشت، برابر با ورود اعضای عائله مبارک ایشان به باغ رضوان، و روز دوازدهم که روز خروج حضرت بهاءالله از باغ رضوان به طرف اسلامبول است.

پیام بهایی ش ۱۶۱ ص ۱۴

۲- لوح مبارک عید رضوان

قَدْ طَلَعَ جَمَالُ الْقُدْسِ عَنْ خَلْفِ الْحِجَابِ وَإِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ وَانْصَعَقَتِ الْأَرْوَاحُ مِنْ نَارِ الْإِنْجِذَابِ وَإِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ عَجَابٌ . ثُمَّ أَفَاقَتْ وَطَارَتْ إِلَى سُرَادِقِ الْقُدْسِ فِي عَرْشِ الْقِبَابِ وَإِنَّ هَذَا لَسِرٌّ عَجَابٌ . قُلْ كَشَفَتْ حُورُ الْبَقَاءِ عَنْ وَجْهِهَا النِّقَابَ وَتَعَالَى جَمَالُ بَدْعٍ عَجَابٌ . وَاشْرَقَتْ أَنْوَارُ الْوَجْهِ مِنَ الْأَرْضِ إِلَى السَّحَابِ وَإِنَّ هَذَا لَنُورٌ عَجَابٌ . وَرَمَتْ بِلِحَازِهَا رَمَى الشَّهَابِ وَإِنَّ هَذَا لَرَمَى عَجَابٌ وَاحْرَقَتْ بِنَارِ الْوَجْهِ كُلَّ الْأَسْمَاءِ وَالْأَلْقَابِ وَإِنَّ هَذَا لِفِعْلٌ عَجَابٌ وَنَظَرَتْ بِطَرَفِهَا إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ وَالتُّرَابِ وَإِنَّ هَذَا لَطَرْفٌ عَجَابٌ . إِذَا اهْتَزَّتْ هِيَ كُلُّ الْوُجُودِ ثُمَّ غَابَ وَإِنَّ هَذَا لَمَوْتُ عَجَابٌ ثُمَّ ظَهَرَتْ مِنْهَا الشَّعْرَةُ السَّودَاءُ كَطِرَازِ الرُّوحِ فِي ظُلْمَةِ الْعِقَابِ وَإِنَّ هَذَا لَلَّوْنٌ عَجَابٌ وَسَطَعَتْ مِنْهَا رَوَائِحُ الرُّوحِ وَالْأَطْيَابِ وَإِنَّ هَذَا لَمِسْكٌ عَجَابٌ .

ادعیه حضرت محبوب صص ۱۴۶ و ۱۴۷

هذا عیدٌ فیہ ... احاط الجود کلّ الوجود...

این جشنی است که در آن بخشش خداوند تمام وجود را پوشش داد. به راستی عید رضوان چیست؟ آیا عیدی است که بهائیان در آغاز اردیبهشت از یکم تا دوازدهم اردیبهشت جشن می گیرند؟ آیا منزلت رضوان فقط در عید بعثت و آغاز دعوت عمومی بهاءالله است؟ روزهای یکم و نهم و دوازدهم آن را بهائیان جشن می گیرند و از روزهای محترم و مقدس در گاهنامه بهائی است. آیا اهمیت رضوان در انتخابات سالانه محفلهای محلی و ملی بهائی است که در همان روزها انجام می شود؟

عید رضوان صرفاً عید بعثت و آغاز دعوت پیامبری بهاءالله نیست. واژه رضوان در لغت از ریشه سه حرفی «رضی» به معنی خوشنودی است. خوشنودی مورد نظر در کاربرد قرآنی آن شرطی و یا حالتی است که در آن بنده به خوشنودی الهی برسد یعنی آن کیفیت روحانی و عرفای است که ذات حق از بنده اش راضی است.

بهاءالله در بسط معنی عید رضوان در کتاب اقدس چنین می آورد:

و کذلک رفع الله حکم دون الطهاره عن کلّ الاشياء و عن ملل الاخری... قد انغمست الاشياء فی بحر الطهاره فی اولّ الرضوان اذ تجلینا علی من فی الامکان باسمائنا الحسنی و صفاتنا العلیا... لتعاشروا مع الادیان و تبلغوا امر ربکم الرحمن (بند ۷۵)

در این نوشته بهاءالله می نویسد که حکم نجاست (عدم پاکیزگی دینی) را از تمام اشیاء و مردمان برداشته است و در اول رضوان و ظهور تازه الهی تمام جهان در دریای پاکیزگی الهی شسته شده است. باید با دیگران با خوبی و خوشرویی و محبت معاشرت و نشست و برخاست کرد و این صفا و صمیمیت را در رفتار و گفتار نشان داد. یعنی حداقل بهائیان باید به این مهم عامل باشند.

"ای اهل عالم! سراپرده یگانگی بلند شد. به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید. همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار."

مقایسه تطبیقی در ادبیان انجیل و آثار بهاءالله نیز شاید مفید باشد. همانگونه که با ظهور عیسی مسیح گناه افراد (گناه در سطح خرد و کوچک) بشر پاک شد، در ظهور بهاءالله و تجلی دوباره حقیقت «دیگر ستیزی» و

«دیگرپردازی» که یکی از اشتباهات (گناهان) افراد و جوامع است (خرد و کلان) در بحر رضوان پالایش می شود. یعنی عید رضوان زمان کنار نهادن خصومت و دشمنی و زمان محبت و بخشش به انسانها است.

بنابراین پیرو رضوان عدم پاکیزگی دینی (نجاست) که برداشتی سپری شده و خرافاتی از دین را در بر دارد از واژه نامه دین جدید و مرام جهان نو حذف شده است. ادیان و ملتهای دیگر را اکنون نمی توان «نجس» خواند و بر حذف فیزیکی و اجتماعی آنان قیام کرد. در جهان تازه ای که بر الگوی وحدت عالم انسانی بنا شده باشد پیروان مکاتب و اندیشه های ناسازگار با آراء رسمی قدرتها را نمی توان در منگنه و زیر فشار گذاشت. نابرابری ها و ناعدالتی های روزگار پیشین با شستشو در دریای رضوان به برابری و عدالت تبدیل می شود.

آلودگی های جهان با شستشو در آب صاف رضوان به پاکیزگی تبدیل شده است. معمای رضوان نیز در همین است. شای جهان به سویی می رود که از تاریکی و خرافه آزاد شود.

پلیدیهای جهان امروز را باید در دریای پالایش رضوان شست. باید با مردم جهان معاشرت کرد و هیچکس را "بیگانه" ندانست. و باید مژده رضوان و خوشنودی الهی و ظهور عصر تازه ای در زندگی اجتماعی بشر را به گوش همگان رساند.

"یاران پارسی هر یک پیکی از جهان بالاستی کشتی دانشند و کیهان از کران تا بکران دریاستی پس براستی بدان امروز جان پارسی در جهان نیستی هستی بخش است و جشن، جشن یزدان بلند . درفش دهش و بخشش ایزدی را بنگر که آفتاب جهان آسمان باز از خاور پارسیان درخشید و اختران تابان روشن شد پاک یزدان سزاوار ستایش و نیایش است که چنین بخششی ارزان فرمود و چنین مهری رایگان داشت امروز دوستان پارسی باید از شادمانی پرواز نمایند و در بستان جهان آغاز گشودن راز نمایند و به این آهنگ و آواز دمساز گردند روز روز فیروز است و تابش تابش آفتاب گیتی افروز و آتش آتش جهان سوز . آتشی که همه پرتو است نه دود و یزدانی است نه کیهانی آسمانی است نه زمینی تابشش جان بخشد نه جان گیرد بر هر چیز بیفزاید نه بکاهد این مهر سپهر نشانه آن آفتاب است و این آتش نشانی از آن آذر جهانتاب . باری در شب و روز به یاد آن یاران شادمانیم و به دوستی آن دوستان همدم و همدستان از ایزد بی مانند خواهانیم که همواره همه پارسیان را یار و یاور باشد تا در انجمن آسمانی همه چون چراغ های یزدانی برافروزند و پرده های پنهانی بسوزند و به آتش دوستی و خداپرستی بسوزند این است بخشش خداوند آفرینش که امروز روزی یزدان پرستان است و پیروزی می پرستان و شادمانی مستان و خوشی هوشمند و کامرانی دوستان یار مشکل پسند ."